قیمت های نفت و ظرفیت های بالادستی و پایین دستی

LTG و طرح‏هایی برای قطر

هنگامی که قطر اعلام می‏کند که این کشور قصد دارد تولید فرآورده‏های نفتی حاصل از فرآیند تبدیل گاز به فرآورده‏های میان‏ تقطیر مایع( LTG )را طی دهه آینده‏ به 1 میلیون بشکه در روز برساند و از سوی دیگر قصد دارد تولید GNL خود را نیز به 60 میلیون تن در سال‏ افزایش دهد این سؤال در اذهان‏ شکل می‏گیرد که چگونه یک کشور 400 هزار نفری که بیش از نیمی از جمعیت آن را افراد غیر بومی تشکیل‏ داده‏اند میتواند چنین برنامه‏هائی‏ را برای خود پیش‏بینی نماید.برای‏ روشن شدن بیشتر مطلب یادآوری‏ می‏نماید که تولید کنونی LTG در جهان 15 هزار بشکه در روز و کل‏ تولید GNL جهان در سال 2003 معادل 125 میلیون تن بوده است.

واضح است که کشور کوچک‏ قطر اصولا نمی‏تواند پتانسیل‏ مدیریتی،مالی و تکنولوژیکی لازم‏ جهت چنین توسعه عظیمی را داشته‏ باشد.

با کمی بررسی نام شرکت‏های‏ غربی،عمدتا«امریکایی و پشتیبانی‏ سیاسی-اقتصادی کامل امریکا از قطر را می‏بینیم و در واقع این امریکا و شرکت‏های غربی هستند که این‏ برنامه‏ها را تنظیم و اجرا می‏نمایند.

بررسی اخیری که از سوی‏ وزارت انرژی امریکا در مورد توسعه طرح‏های LTG در جهان‏ صورت گرفته دو نکته مهم‏ برای اقتصدی بودن و عملی شدن‏ طرح‏های LTG را در خود جای‏ داده است.این دو نکته عبارتند از قیمت پائین گاز خوراک و دوم نقش‏ اقتصاد مقیاس در کاهش هزینه‏های‏ تولید LTG .

بررسی صورت گرفته در مورد قیمت تمام شده گاز تولیدی‏ در جهان نشان می‏دهد که تنها کشورهای معدودی می‏توانند گاز را با قیمتی پائین به تأسیسات LTG عرضه کنند که قطر از مهمترین‏ آنهاست.

یادآور می‏شود در اکثر حوزه‏های تولیدی گاز جهان از جمله روسیه که از نظر ذخایر گاز مقام اول را داشته و بزرگترین تولید کننده گاز جهان است،هزینه تولید، بالای 1 دلار در هر میلیون UTB است‏ در حالی که برای اقتصادی شدن‏ تولید LTG قیمت گاز باید پائین‏تر از 50 سنت باشد.

بنابراین قطر با توجه به حجم‏ بالای ذخایر گاز و عدم وجود بازار داخلی و توانائی تحویل گاز با قیمتی پایین به تأسیسات با مقیاس‏ بسیار بزرگ LTG ،از کشورهای‏ اصلی دارای پتانسیل توسعه‏ تأسیسات LTG در جهان است.

برنامه‏های آژانس بین المللی‏ انرژی( AEI و استراتژییست‏هی‏ غرب بر این پایه قرار گرفته است که‏ LTG را باید از اعضای اصلی اوپک‏ بویژه کشورهایی نظیر عربستان و ایران جدا نمود زیرا LTG باید در آینده به عنوان رقیبی برای نفت خام‏ اوپک مطرح گردد.

در این میان قطر که اکنون‏ پایگاه اصلی نظامی-امنیتی امریکا در منطقه بوده و کاملا تحت نفوذ امریکاست می‏تواند جایگاه امنی‏ برای غرب جهت توسعه LTG باشد و بنابراین اراده سیاسی بسیار قوی‏ برای تمرکز طرح‏های LTG در این‏ کشور وجود دارد.

برخی تحلیلگران انتقال طرح‏ LTG شرکت llehS به قطر را در همین چارچوب ارزیابی می‏کنند. تجربه نشان می‏هد که حتی‏ شرکت‏های بزرگی نظیر llehS گرچه عموما تصمیمات تجاری‏ می‏گیرند اما نمی‏توانند در مورد تصمیمات سیاسی و استراتژیک‏ غرب بی‏تفاوت باشند،در عین حال‏ که در بده بستان‏های خود به آن نیاز دارند.

در صورتی که قطر بتواند به‏ تولید 1 میلیون بشکه در روز LTG دست یابد بر بازار فرآورده‏های‏ نفتی میان تقطیر و کل تجارت نفت‏ تأثیر خواهد گذارد.تأثیری که گر چه از نظر حجم شاید زیاد پر اهمیت‏ به نظر نرسد اما به گفته صاحبنظران‏ بازار نفت«آخرین بشکه همواره‏ تعیین‏کننده‏ترین است»

هر چند افزایش عرضه اوپک‏ در اوایل ماه ژوئن توانست کاهش‏ قیمت‏های نفت خام به میزان 5 دلار در بشکه(برای نفت خام وست‏ تگزاس اینترمدیت( ITW )را موجب‏ شود،اما این وضعیت کاملا موقت‏ بود و قیمت این نفت خام مجددا به‏ بیش از 40 دلار در بشکه بازگشت‏ کرد.

گرچه از پایان ژانویه سال جاری‏ میلادی تا کنون ذخیره‏سازی‏های‏ تجاری نفت خام در امریکا به میزان‏ تقریبی 40 میلیون بشکه افزایش‏ یافته است؛اما در بخش پائین دستی‏ نفت سود پالایشگاهی نیز در این‏ کشور،در همین مدت تقریبا 80/3 دلار در بشکه افزایش داشته است. این وضعیت کاملا غیر عادی است و از وجود تنگنا در بخش پایین دستی‏ حکایت می‏کند.

پالایشگاه‏ها در امریکا،اروپا اغلب نقاط آسیا،در بالاترین سطح‏ ظرفیت خود به فعالیت مشغول‏ هستند.ضریب بهره‏برداری از پالایشگاه‏های امریکا هم اکنون به‏ 5/95 در صد رسیده است(هفته منتهی‏ به سی‏ام ژوئیه).در اروپا در ماه ژوئن‏ بهره‏برداری از پالایشگاه‏ها در سطح‏ 9/93 در صد قرار داشت که برای این‏ مقطع از سال کاملا غیر معمولی و بیش از سطح عادی بود.در ماه ژوئن‏ پالایشگاه‏های چنین نیز در مقایسه با سال گذشته 1/20 در صد نفت بیشتری‏ را پالایش کردند.پالایشگاه‏های هند هم در ماه مه 2004 در مقایسه با زمان‏ مشابه در سال گذشته 13 در صد نفت‏ خام بیشتری را پالایش کردند.

پیش‏بینی می‏شود مقدا تقاضا در سه ماهه چهارم نسبت به سه‏ ماهه سوم حداقل 2 میلیون بشکه‏ در روز افزایش پیدا کند و به سطح‏ 5/82 میلیون بشکه در روز برسد و ظرفیت پالایشگاهی نیز از ابتدای‏ سال جاری در سطح 82 میلیون بشکه‏ در روز برآورد گردیده است و انتظار نمی‏رود که ظرفیت پالایشگاهی‏ بیش از 500 هزار بشکه در روز در سال 2004 افزایش یابد.علاوه بر آن،با توجه به اینکه پالایشگران‏ در فصل تابستان با ظرفیت بالای‏ خود کار کرده‏اند،ممکن است‏ مجبور باشند در فصل پائیز حجم‏ تعطیلی پالایشگاه‏های خود را برای‏ عملیات تعمیر و نگهداری افزایش‏ دهند.به این ترتیب مشاهده می‏شود که ظرفیت پالایشگاهی به سختی‏ قادر خواهد بود که پاسخگوی تقاضا باشد.

توجه به این نکته ضروری است‏ که با تغییر تراز عرضه و تقاضا که‏ موجب بوجود آمدن کسری بنزین از یک سو و مازاد نفت کوره شده است، باید سرمایه‏گذاری بیشتری در میان‏ مدت در ایجاد واحدهای تبدیلی‏ در پالایشگاه‏ها صورت گیرد.این‏ موضوع در منطقه آسیا نمود بیشتری‏ دارد زیرا ظرفیت‏های تبدیلی در منطقه آیا به میزان چشمگیری‏ کمتر از امریکا و اروپا است.البته‏ در این میان ممکن است با اجرای‏ پروژه‏های کوچک و بر طرف کردن‏ تنگناها در پالایشگاه‏ها بتوان‏ ظرفیت‏ها را تا حدودی افزایش داد اما بعد از حداکثر پنج سال هیچ‏ چاره‏ای وجود نخواهد داشت مگر اینکه پالایشگاه‏های جدیدی در جهان ساخته شود.

اما موضوع ساخت پالایشگاه‏های‏ جدید در امریکا چنانچه شرایط و ضوابط فعلی تغییری نکند،همچنان‏ با دشواری روبرو خواهد بود.اراده‏ سیاسی در این کشور برای ساخت‏ پالایشگاه باید آنقدر قدرت پیدا کند که بر موانع زیست محیطی،مالی و سایر موانع بروکراتیک فایق آید.و در حال حاضر نیز هیچ گونه طرحی برای‏ ساخت پالایشگاه‏های جدید در امریکا و اروپا مشاهده نمی‏شود.اما در آسیا، دولت‏های چین،هند و سایر کشورها برنامه‏هایی برای ساخت پالایشگاه در دست اجرا دارند.

این احتمال نیز قابل طرح است‏ که در کشورهایی نزدیک به امریکا نظیر مکزیک،ونزوئلا و یا حتی‏ مناطق دورتر مانند اروپا و خاور دور،پالایشگاه‏ها بتوانند نیاز بازار فرآورده امریکا را با فعالیت بیشتر خود،جبران کنند،اما به هر حال‏ وابستگی بیشتر امریکا به بخش‏ پایین دستی خارج از مرزهای خود، ریسک امنیت عرضه برای این کشور را افزایش می‏دهد.

و اما در بخش بالا دستی:در حال حاضر اوپک تا آنجا که ظرفیت‏ تولیدش اجازه می‏دهد،نفت خام‏ تولید می‏کند.کشورهای غیر اوپک‏ نظیر روسیه نیز از وضعیت مشابهی‏ برخوردار هستند و آنها نیز از تمام‏ ظرفیت خود برای تولید نفت خام‏ استفاده می‏کنند.اغلب افزایش‏های‏ قابل انتظار در بخش بالا دستی نیز مربوط به مناطقی است که دچار مخاطرات سیاسی هستند(مانند روسیه،عراق،ونزوئلا،نیجریه، لیبی.)و چنانچه سرمایه‏گذاری‏های‏ جدید برای افزایش ظرفیت تولید در بخش‏های بالا دستی صورت نگیرد، بازار نفت با مشکلات جدی روبرو خواهد شد.

در بسیاری از کشورهای عضو ا وپک،برای اجرای پروژه‏های اجتماعی‏ و ایجاد زیر ساخت‏های اقتصادی به‏ بخش عمده‏ای از درآمدهای نفتی نیاز است که به این ترتیب سرمایه‏های بجای‏ اکتشاف و تولید در بخش نفت،به‏ سایر بخش‏ها جذب خواهد شد.علاوه‏ بر آن،بسیاری از این کشورها با افزایش‏ جمعیت کمتر از 18 سال که به زودی‏ متقاضی کار و تسهیلات خواهند بود، مواجه هستند و با این ترتیب ناچار هستند سرمایه‏گذاری‏های خود در بخش غیر اشتغال‏زای نفت را محدود سازند.

نتیجه اینکه:نکات فوق الذکر نشان‏ می‏دهد که قمیت‏های نفت در آینده‏ میان مدت همچنان تحت فشار صعودی‏ قرار خواهد داشت و حتی بررسی‏ قیمت‏ها در معاملات آتی( serutuF ) نشان می‏دهد که پیش‏بینی‏های‏ بلند مدت در مورد قیمت‏ها نیز با افزایش‏ روبرو شده است.